

نگاهی به الگوی همگرایی فقهی آیت الله بروجردی (ره)

سید آصف کاظمی^۱

سید رضا انوری^۲

چکیده

مسئله وحدت و همگرایی یکی از اهداف مهم شریعت اسلامی و دستورهای عقلی است و از طرفی وحدت و همگرایی یکی از دغدغه‌های مصلحان بزرگ تاریخ به شمار می‌آید. هدف از پژوهش حاضر، بررسی اندیشه وحدت و همگرایی از دیدگاه آیت الله بروجردی است. پژوهش حاضر به بررسی این سؤال می‌پردازد که از دیدگاه آیت الله بروجردی همگرایی اسلامی چگونه ارزیابی می‌گردد؟ با توجه به هدف و پرسش فوق، این پژوهش با استفاده از روش تحقیق اسنادی به بررسی موضوع می‌پردازد. نتایج بررسی نشان می‌دهد که آیت الله بروجردی مشترکات موجود در میان فرق اسلامی عامل وحدتی پایدار و ماندگار می‌داند و معتقد بود که مسلمانان در اصول عقیدتی و بسیاری از احکام عملی اسلامی با یکدیگر اشتراک دارند. ایشان به سیره بزرگان دین و آثار پیشینیان اهمیت فراوان می‌داد ایشان اهتمام داشت که علمای شیعه روایات و مبانی فقهی اهل سنت را بدانند و از طرف دیگر، اهل سنت روایات اهل بیت و فقه شیعه را مدنظر قرار دهند.

واژگان کلیدی

آیت الله بروجردی، همگرایی اسلامی، اشتراک فقهی، تقلین، مرجعیت علمی اهل بیت، فقه مقارن.

^۱. دکتری تاریخ معاصر جهان اسلام مجتبع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی (جامعه المصطفی العالمیه) kazemi.asef@gmail.com

^۲. دانش پژوه دکتری قرآن و علوم مجتبع آموزش عالی تفسیر و علوم قرآن (جامعه المصطفی العالمیه)

مقدمه

توصیه‌ها و دستورات قرآن، پیامبر عظیم‌الشأن (صلی‌الله علیه وآله) اسلام و ائمه معصومین (علیهم‌السلام)، برای درک ضرورت و اهمیت مسئله وحدت و همبستگی بسیار گویا و صریح است. از این‌رو خدشه نمودن به مسئله وحدت مسلمانان، از هیچ مسلمانی و با هیچ بهانه‌ای پذیرفتنی نیست. همگرایی و وحدت امت اسلامی یکی از اصول مسلم اسلامی است، ولی متأسفانه به دلایلی و تحت تأثیر عوامل بیرونی و درونی، این اصل اصیل اسلامی که در متون دینی ما بدان توصیه و تأکید فراوان شده است؛ مورد غفلت قرار گرفته است. رسیدن به وحدت و همگرایی یکی از آمال و آرزوهای دیرین نخبگان و اندیشمندان اسلامی بوده است و فرهیختگان امت اسلام برای تحقق آن راهکارهای مؤثری ارائه داده‌اند. یکی از راهکارهای مهم دیدگاه آیت‌الله بروجردی در مورد همگرایی اسلامی است. ایشان معتقد است که مذاهب اسلامی باید به همگرایی فقهی برسند تا از تفرقه و واگرایی‌ها نجات یابند. این تحقیق نگاهی دارد به دیدگاه این مرجع عالی‌قدر و منادی تقریب آیت‌الله سید حسین طباطبایی بروجردی (ره). این مفهوم که جهان اسلام با وجود اختلاف و تشتت‌های فراوان، چگونه به وحدت و همگرایی دست یابد و اندیشه همگرایی را اجرایی سازد؟ طرح این اندیشه، امروزه اهمیت دوچندان یافته؛ چراکه جهان اسلام امروزه همچنان پرالتهاب و تنش‌زاست و مطمحن نظر استکبار. یکی از این راهبردها، الگوی همگرایی فقهی آیت‌الله بروجردی است. با توجه به آنچه ذکر شد پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که آیت‌الله بروجردی چگونه تقریب را ارزیابی می‌کند و راهبرد ایشان در همگرایی چیست؟ پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی و ازلحاظ روش گردآوری داده‌ها، از روش توصیفی- اسنادی استفاده نموده است و از آثار مکتوب و گزارش‌های مربوط به همگرایی اسلامی و آیت‌الله بروجردی سامان یافته است.

اندیشه همگرایی از دغدغه‌های فکری و دیرینه آیت‌الله بروجردی بوده است. این موضوع در دوران فعالیت مذهبی، اجتماعی و سیاسی آن بزرگوار مورد تأکید بوده است و این امر موجب گردیده که ایشان به یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های وحدت‌آفرین جهان اسلام تبدیل شود. به گفته‌ای شهید مطهری نباید گفت ایشان به مسئله وحدت علاقه دارند؛ بلکه باید گفت ایشان عاشق و دلباخته وحدت و همگرایی بود و مرغ‌دلش برای این موضوع پر می‌زد. ایشان در حادثه قلبی که برایشان پیش آمد وقتی به هوش آمد موضوع وحدت اسلامی را طرح کردند و فرمودند: من آرزوها در این زمینه داشتم. (مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۶۷)

۱. مفاهیم نظری و پیشینه تحقیق

۱-۱. همگرایی

سال‌های پایانی قرن بیستم، دگرگونی‌های مهمی در ساختار نظام بین‌الملل به وجود آمد و مفاهیمی جدیدی وارد اصطلاحات روابط بین‌الملل گردید. یکی از این مفاهیم، مفهوم «هم‌گرایی»^۱ بود. مفهوم همگرایی در متون سیاسی، کاربرد زیادی پیدا کرده است. این کاربرد در پی دگرگونی‌های جنگ سرد و پایان یافتن رقابت‌های دو ابرقدرت شرق و غرب بیشتر شده است. (ابوالفضلی، ۸) همگرایی در علوم سیاسی عبارت است از فرایندی که طی آن دولت‌ها یا واحدهای سیاسی برای دستیابی به اهداف مشترک خود، به‌طور داوطلبانه و آگاهانه، بخشی از حاکمیت و اقتدار عالی خود را به یک مرکز فراملی واگذار می‌کنند. (کاظمی، ۳) در یک تعریف جامع‌تر همگرایی از اشتراک نظر و همکاری کشورهای مختلف یک منطقه که منافع مشترک دارند، برای دست یافتن به اهداف جمعی و جلوگیری از تهدیدهای احتمالی در زمینه‌های مختلف به وجود می‌آید. (ابوالفضلی، ۹) شاید بتوان مفهوم وحدت را معادل همگرایی به شمار آورد، ولی نکته‌ای در این زمینه اهمیت دارد، این است که وحدت عقیده و وحدت سیاسی باهم متفاوت‌اند؛ در حال، در روابط بین‌الملل همگرایی نظریه‌ای است که کشورها می‌کوشند از آن برای اهداف ملی و مصالح خود بهره‌جویند. (همان)

همگرایی اسلامی یعنی وجود روحیه برادری دینی و همکاری و تعاون پیروان مذاهب اسلامی بر اساس اصول مشترک اسلامی و اتخاذ موضع واحد برای تحقق اهداف و مصالح عالیه امت اسلامی و موضع‌گیری واحد در برابر دشمنان اسلام و احترام به التزام قلبی و عملی هر یک از مسلمانان به مذهب خود. (تسخیری، ۲۱۸) هم‌صدا بودن و سازگار شدن افراد ملت‌های مسلمان با یکدیگر با هر نوع عقیده مذهبی در جهت حفظ اصل اسلام و تثبیت و رعایت حقوق مسلمین در جهان هست. (دهقانی، ۳۲)

اهمیت نظریه‌پردازی در حوزه وحدت و همگرایی وقتی بیش‌تر آشکار می‌گردد که بدانیم روشنفکران کارهایی شالوده‌شکنانه به وجود آمده است که این نوع مطالعات به‌طور کلی منکر نقش اسلام و یا حتی توانایی آن به‌عنوان یک آیین وحدت‌بخش است و از قائل شدن اسلام به‌عنوان مقوله وحدت‌بخش به لحاظ تاریخی یا فرهنگی، سرباز می‌زند. (جلالی، ۳۳۹-۳۴۰)

۲-۱. پیشینه تحقیق

در دوره کنونی واگرایی و تفرقه در دنیای اسلام به‌عنوان یک مسئله‌ای مهم درآمده است و به یک بحران سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی تبدیل شده است. تلاش‌های اندیشمندان اسلامی همپای این بحران آغاز گردید. موضوع وحدت و همگرایی اسلامی از قدمت زیادی برخوردار است و دارای پیشینه‌ای به درازای تاریخ اسلام است که در عمل متأسفانه تاکنون به دلایل مختلفی ناکام مانده است. در این زمینه وحدت و همگرایی اسلامی کتاب و مقالات متعددی نگارش یافته است اما بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه به اهمیت و تأثیرات وحدت و مباحث مفهومی همگرایی تمرکز داشته و درصدد کاربرد و پژوهش درباره آینده آن برنیامده است. متفکران و دولتمردان اسلامی در پاسخ این مسئله و بحران، پاسخ‌های گوناگونی ارائه دادند که در سه الگوی سیاسی- اجتماعی، فرهنگی- دینی و اقتصادی قابل دسته‌بندی و گونه‌شناسی می‌باشد. برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در منابع فهرست خواهد شد اما درباره چشم‌انداز آینده آن و بررسی بر اساس یکی از الگوهای آینده‌پژوهی، موضوع بررسی نگردیده است و موضوع از این منظر نو و بدیع هست.

طور کلی نظریه‌پردازی وحدت را می‌توان به لحاظ سبک الگو پردازی به چندین گروه تقسیم کرد:

الگوهای سیاسی: نمونه برجسته این جریان را می‌توان سید جمال افغانی و شاگردان وی مانند محمد عبده دانست. این نظریه، بیداری مسلمانان و دستیابی به وحدت و کسب اقتدار سیاسی را در استبداد زدایی در درون ممالک اسلامی و همگرایی در مسائل سیاسی آنان در تعامل بین‌المللی می‌داند. الگوهای اقتصادی: این الگو بر مسائل اقتصادی تمرکز دارد و تجربه اتحادیه اروپا را به‌عنوان الگوی موفق فراروی همگرایی اسلامی قرار می‌دهد؛ زیرا در اروپا تمام راه‌حل‌های سیاسی با شکست روبرو شد و تنها مسیر اقتصادی با موفقیت مواجه گردید. (نک: رنجبر، ۱۳۸۵، سریع القلم، ۱۳۷۶) الگوی احیای اندیشه دینی: نمونه‌های گوناگونی را اندیشمندان اسلامی به‌عنوان الگوی احیای اندیشه دینی ارائه داده‌اند. ازجمله می‌توان به الگوی اقبال لاهوری، بدیع‌الزمان نوری و کاشف الغطا اشاره کرد. الگوی تاریخی: این الگو به نوسازی دستاوردهای تاریخی اسلام و سنت‌های اسلامی باور دارد و می‌خواهد بار دیگر روحی را که چهارده قرن پیش بر ریگستان سوخته حجاز وزید و آن صحرای خاموش را به حرکت درآورد، به جامعه خفته عصر خود بازگرداند و نشان دهد که اسلام، برخلاف همه غفلت‌ها و کژاندیشی‌ها،

هنوز می‌تواند منشأ خیزش جامعه باشد. میرزا خلیل کمره‌ای از پایه‌گذاران این الگوست. الگوی فقهی: رویکرد فقهی، بازگشت به منابع مشترک فقهی را سرلوحه خود قرار داده است، راهی که تفاهم و همگرایی زیادی را می‌تواند در میان مسلمانان به دنبال داشته باشد. آیت‌الله بروجردی، امام موسی صدر، شیخ محمود شلتوت و برخی دیگر از رهروان این الگو هستند. (نک: جلالی، ۱۳۸۹)

۳-۱. چارچوب همگرایی فقهی آیت‌الله بروجردی

آیت‌الله العظمی بروجردی از مراجع برجسته و علی‌الاطلاق شیعه است که همواره وحدت مسلمین و همگرایی مذاهب اسلامی را در کانون توجه خود داشت. برخی معتقدند که هر شخصی یک کلیدواژه شخصیت دارد، اگر بخواهیم برای آیت‌الله بروجردی کلیدواژه بیابیم آن واژه وحدت و همگرایی است. آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی، فرزند آقا سید علی طباطبایی در سال ۱۲۵۴ شمسی در بروجرد به دنیا آمد. پدر و مادرش هر دو از دودمان سید محمد طباطبایی و خاندان علمی و دینی بوده‌اند. ایشان در هفت‌سالگی در بروجرد، مقدمات علمی را فراگرفت و سپس در سال ۱۲۷۱ ش به اصفهان رفت. بعد از چند سالی در سال ۱۲۸۰ ش عازم نجف اشرف شد. از بدو ورود به نجف مورد توجه خاص مرحوم آیت‌الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی قرار گرفت. پس از نه سال اقامت در نجف اشرف به بروجرد بازگشت که هنگام بازگشت اجازه‌ی اجتهاد از رئیس مراجع و فقهای عصر یعنی استادش آیت‌الله آخوند خراسانی را به دست داشت و در سال ۱۳۶۳ ق وارد حوزه علمیه قم گردید. ایشان سرانجام پس از عمری تلاش، فعالیت و خدمات ارزنده‌ای به حوزه‌ها، در ۱۳ شوال ۱۳۸۰ ق ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ ش، چشم از جهان فروبست و در مسجد اعظم قم که خود آن را بنیاد نهاده بود، به خاک سپرده شد. (تهوری، ۱۹-۳۳)

از دیدگاه آیت‌الله بروجردی، مشترکات موجود در میان فرق اسلامی می‌تواند باعث وحدتی پایدار و ماندگار گردد. وی معتقد بود که مسلمانان در اصول عقیدتی و بسیاری از احکام عملی اسلامی با یکدیگر اشتراک دارند. همه خدای یگانه را می‌پرستند و به‌سوی کعبه نماز می‌گذارند، دارای پیغمبر و قرآنی مشترک هستند و به روز معاد اعتقاد دارند. در نماز، روزه، حج، زکات و بسیاری از احکام دیگر جز در برخی از امور جزئی اختلافی ندارند. مسلمانان زمینه‌های تاریخی و دشمن نیز دارند. آیت‌الله بروجردی با یادآوری سیره‌ی بزرگان دین و بیان تمامی مشترکات، بر

اتحاد مسلمانان تأکید می‌ورزیدند، به اعتقاد ایشان امروزه دولت‌های مختلف جهان بر اساس منافع مشترک با یکدیگر پیمان اتحاد منعقد می‌کنند، گروهی برای استفاده‌ی مسالمت‌آمیز از منابع و عده‌ای هم برای اینکه کشورشان از تجاوز بیگانگان در امان بماند پیمان می‌بندند؛ اما پیمان و اتحاد بین مسلمانان می‌تواند محکم‌ترین و باثبات‌ترین پیمان‌ها باشد؛ زیرا اگر روزی منافع مشترک در میان ملل جهان از بین برود، به تبع آن وحدت نیز از میان خواهد رفت و دیگر نیازی به آن احساس نخواهد شد؛ ولی وحدت مسلمین چون از نوع عقیده و مذهب است هیچ‌گاه از بین نخواهد رفت زیرا اعتقاد به خدای یگانه و دین مشترک، اعتقادی قلبی و ماندگار است. (همان، ۶۸-۶۹)

آیت‌الله بروجردی برای عملی ساختن همگرایی و تقریب مذاهب اسلامی به آثار پیشینیان به‌ویژه آثار شیخ طوسی (ره) اهمیت فراوان داده و خود کتاب الخلاف شیخ طوسی را تصحیح و منتشر ساخت و دوره کامل تفسیر مجمع‌البیان طبرسی (۵۴۸ ق) را با مقدمه شیخ شلتوت چاپ کرد. طبرسی دارای فکر معتدل و روش تقریبی بود و به روایات اهل سنت احترام می‌گذاشت. ایشان در زمینه امامت به جنبه‌ی خلافت آن توجه زیادی نداشت، بلکه می‌فرمود این مسئله امروز موردنیاز مسلمانان نیست، زیرا خلافتی وجود ندارد که ما بر سر آن دعوا کنیم. در گذشته هم لازم نیست بدانیم خلیفه کیست بلکه آنچه موردنیاز امروز ما است بعد علمی آن است که ما ثابت کنیم احکام را باید از ائمه (علیهم‌السلام) گرفت. ایشان در این زمینه حدیث ثقلین را اساس کار خویش قرار داد. (واعظ زاده خراسانی، ۶۷)

بنابراین ایشان از یک‌طرف اهتمام داشت که علمای شیعه روایات و مبانی فقهی اهل سنت را بدانند و از طرف دیگر، اهل سنت روایات اهل بیت و فقه شیعه را مدنظر قرار دهند و در این زمینه موفق نیز گردید و بسیاری از اعضای دارالتقریب را با فقه شیعه آشنا ساخت و در برخی مسائل آنان مطابق فقه شیعه فتوا دادند و وزارت اوقاف مصر کتاب المختصر النافع محقق حلی را با هزینه خود و با مقدمه وزیر وقت شیخ احمد حسن الباقوری چاپ کرد. (همان، ص ۶۷-۶۸) ایشان در آغاز تدوین جامع الاحادیث دستور دادند که در ذیل هر باب روایات اهل سنت نیز آورده شود و معتقد بود که روایات اهل بیت در احکام خیلی بیشتر از روایات اهل سنت است لذا کتاب «التاج» را که پنج صحاح اهل سنت بود را با روایات اهل بیت تکمیل کنند. کتاب طهارت و صلاه جامع الاحادیث همراه با حاشیه روایات اهل سنت صورت گرفت. (همان، ص ۲۶۶)

ایشان معتقد بود که برای فهم احادیث باید به زمینه صدور روایت توجه نمود چراکه کسانی

که از ائمه سؤال می‌پرسیدند فتاوی اهل سنت را می‌دانستند. وی معتقد بود که روایات شیعه نیز، بسان آیات قرآن، برای خود، شأن نزولی دارند و آگاهی از شأن نزول روایات، مایه روشن شدن مفاهیم روایات اهل بیت است. شأن نزول‌ها را می‌توان، در اقوال صحابه و تابعان و فقیهان بعد از آنان یافت و با آگاهی از این‌ها به رموز نهفته در روایات ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام)، پی برد. (مجله حوزه، ۱۸۰)

آیت‌الله بروجردی راهبرد عملی در تحقق همگرایی را بر مشترکات مسلمین می‌داند و بر اشتراکات فقهی تأکید می‌ورزد و با توجه به فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام) و جایگاه آنان در دل مسلمین به‌عنوان امر مشترک میان امت اسلامی سعی در تقریب بین آنان دارد. از دید ایشان، فقه علت عمده‌ای اختلاف مذاهب است، درعین حال، فقه می‌تواند جهان اسلام را به تقریب و همگرایی برساند. وی معتقد بود اهل سنت فقهی دارند برگرفته از کتاب و سنت ثابت نزد خودشان، ما نیز فقهی داریم بر اساس کتاب و روایات اهل بیت و باید این دو رشته فقه را با بی‌طرفی موردتوجه قرار داده و آن دو را باهم تطبیق داده و زمینه‌های اختلاف و وفاق را حتی‌الامکان پیدا کرد. (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۸۵، ص ۶۷)

همگرایی فقهی آیت‌الله بروجردی دارای مبانی و اصول مشخص است که تبیین مشترکات شیعه و سنی به‌ویژه در فقه، تبیین چهره واقعی شیعه و اهل سنت، توجه به فقه مقارن به‌عنوان مشترکات شیعه و سنی و تکیه بر مقام علمی اهل بیت (علیهم‌السلام) از اصول و مبانی همگرایی فقهی آیت‌الله بروجردی هستند. آیت‌الله بروجردی علاقه داشت که فقهی را پی‌ریزی کند که روایات شیعه و سنی و فتاوا و استدلال‌های هر دو گروه در آن باشد تا برای همگان روش گردد که این نظریات و روایات تا چه اندازه با هم مرتبط‌اند. (شرفی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۲۳۵) ایشان در این اندیشه بود که «الفقه علی المذاهب الخمسه» را بنویسد. زمینه‌های این کار را نیز مهیا ساخت و گروهی را برای این کار تعیین نمود و برخی کارهای مقدماتی نیز انجام گرفت ولی عمرش کفایت نکرد و به نتیجه نرسید. (شرفی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹)

آیت‌الله به مسائل فقه مقارن و مسائل اختلافی اهمیت می‌داد؛ یعنی معتقد بود مسائل فقهی نه‌تنها در سطح مذهب امامیه، بلکه در سطح همه مذاهب فقهی موردبررسی قرار گیرد و در مسئله اختلافی ادله همه مذاهب مورد ارزیابی قرار گیرد. فقه شیعه، باید همراه با آگاهی از نظریات و افکار دیگران باشد. فقه از حالت اختصاصی به فقه تطبیقی و مقارن تبدیل شود. در همین راستا، باید فقیه بر آرای گذشتگان، اعم از فقهای اهل سنت و شیعه، رجوع کند و مسئله

را مطرح سازد. با چنین روشی توانست از کتب فقه‌های قدیم، ترویج بیشتری کند و آن‌ها را مطرح سازد. (مجله حوزه، ۱۳۷۰ مصاحبه با آیه الله جعفر سبحانی، ص ۱۸۰)

آیت‌الله بروجردی معتقد بود که شیعه باید در عصر حاضر بر مقام علمی اهل‌بیت (علیهم‌السلام) تأکید ورزد. مسلماً اگر شیعه به استناد حدیث ثقلین به مرجعیت علمی اهل‌بیت (علیهم‌السلام) اکتفا کند، قادر خواهد بود که دشمنی‌های بیهوده را کنار بزند و همه مسلمانان را پیرامون محاسن کلام عترت و فقه باعظمت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) جمع کند. (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۵) به اعتقاد ایشان اهل‌بیت پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) دارای دو شأن بودند: خلافت و رهبری سیاسی و مرجعیت فکری و علمی. اگر در مسئله نخست اختلافی هست و زمان آن نیز سپری شده است، ولی مسئله دوم، به قوت خود باقی است و مسلمانان جهان پس از کتاب خدا، سنت پیامبر (ص) را نیز از همین مجرا باید به دست آورند. (مجله حوزه، ۱۳۷۰ مصاحبه با آیه الله جعفر سبحانی، ص ۱۸۰)

۲. همگرایی فقهی آیت‌الله بروجردی

آیت‌الله بروجردی همان‌طور که گذشت عنایتی به تقریب در مسائل کلامی از جمله در مسئله خلافت و امامت نداشت و می‌فرمود مسئله خلافت مربوط به زمان گذشته است که در عالم اسلام خلافتی وجود داشت الآن بحث درباره آن بی‌فایده است و این مسئله اکنون موردنیاز مسلمین نیست، آنچه اکنون موردنیاز است همان احکام فقهی است که مسلمانان امروز هم مانند صدر اسلام باید بدانند که احکام را از چه مأخذی بگیرند. ایشان معتقد است که اگر ما مطلب خود را به‌طور معقول در این خصوص برای اهل سنت بیان کنیم به نتیجه می‌رسیم و می‌توانیم آنان را تا حدی قانع کنیم. به‌خصوص که مسئله خلافت که حساسیت‌برانگیز است و به دشمنی و زدوخورد می‌انجامد، از میان‌رفته و بحث در منابع حدیثی فقه، جدای از آن چندان حساسیتی ایجاد نمی‌کند. آنچه امروز به حال مسلمانان مفید است این است که بدانند، احکام را باید از چه مأخذی اخذ بکنند. (اباذری، ۱۳۸۳، ص ۷۵)

آیت‌الله بروجردی برای الگوی فقهی خویش به حدیث ثقلین استناد می‌کند که حدیثی است متواتر و تعداد زیادی از صحابه و تابعین و از طرق مختلف و در اکثر منابع معتبر اهل سنت و شیعه روایت شده است حتی بنا بر نقل صحیح مسلم، رسول اکرم (صلی‌الله علیه و آله) در جریان غدیر از حدیث ثقلین سخن گفت و خلاصه آن حدیث را با کمی اختلاف در الفاظ و با وحدت

معنی فرمود: «اَنی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی». این حدیث را در رساله‌ای «دار التقرب» با تصویب شورای عالی آن مؤسسه که کسانی مانند شیخ عبدالمجید سلیم و شیخ محمود شلتوت و دیگران در آن عضویت داشتند، در قاهره منتشر ساخت. این حدیث که از لحاظ متن و سند قطعی و محتوای آن، یعنی حجیت و سندیت ائمه اهل بیت بسیار روشن است، در حقیقت تکانی به اندیشه فقهی افراد منصف از فقها داد. شیخ عبدالمجید سلیم گفته بود: «مذهب شیعه امامیه از صاحب شریعت به خصوص مدرک دارد، اما مذاهب دیگر مدرک خاص ندارند.» معنای این سخن آن است که «حدیث الثقلین»، مسلمان‌ها را به عترت رجوع داده و فقه امامیه مأخوذ از عترت است، درحالی که مذاهب دیگر، فتاوی پیشوایان مذاهب است که چنین دلیل خاص ندارند. نمونه دیگر، که برای ما شیعیان بسیار بالارزش است همان فتوای شیخ شلتوت است که به احتمال زیاد پس از اطلاع وی از «حدیث ثقلین» و به استناد آن صادر گردیده است. (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۴) آیت الله بروجردی چه در درس و چه در جلسه حدیث بر این حدیث ثقلین تأکید داشت و گاه به گاه آن را در درس مطرح و پیرامون آن بحث می کرد، بدون اینکه به موضوع درس ارتباط داشته باشد. (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۸۶، ص ۲۳)

۱-۲. فقه تقریبی

همان طوری که دیدیم آیت الله بروجردی معتقد بود که فقه علت عمده‌ای اختلاف مذاهب است، درعین حال، عامل تقریب و همگرایی نیز به شمار می آید. آیت الله بروجردی معتقد بود با مراجعه به فتاوی رایج اهل سنت در عصر ائمه اهل بیت (علیهم السلام) بهتر می توان روایات و اقوال ائمه را فهمید زیرا گفتار آنان با توجه به آن فتاوی صادر گردیده است. این جمله‌ای معروف ایشان است که «فقه شیعه در حاشیه فقه اهل سنت است» (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۸۵، ص ۶۳؛ شرفی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۸۴) و «فقه قدمای ما ناظر به فقه اهل سنت و عامه بوده است». (شرفی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۷۱) زیرا در آن زمان احکام مورد عمل مسلمانان فتاوی پیشوایان اهل سنت بود و راویان اصحاب ائمه با توجه به آن فتاوی، از ائمه سؤال می کردند و ائمه هم با توجه به همان فتاوی پاسخ می گفتند؛ زیرا در طول تاریخ چون شیعیان حکومت نداشتند و اغلب حکومت در دست بنی عباس بود و بیشتر فتاوی اهل سنت در میان مردم رواج داشت، بنابراین محدثان و اصحاب امامان علیهم السلام نیز با توجه به فضای حاکم بر جامعه آن روز از ائمه سؤال می کردند و امامان (علیهم السلام) هم با توجه به همین معنا پاسخ می دادند؛ به عبارت دیگر، فقه

شیعه ناظر بر فقه اهل سنت است؛ چراکه جواب‌ها و فرمایشات امامان (علیهم‌السلام) ناظر بر فتاوی فضای حاکم می‌باشد. از این‌رو، آیت‌الله بروجردی تحقیق و مطالعه کتب فتاوی اهل سنت را از مقدمات لازم برای فهم فقه و اجتهاد می‌دانست و خود ایشان در حد اعلی به آن مسلح بود. این تسلط و اشراف، او را در جایگاه رفیعی قرار داده بود که نسبت به نظرات و آراء اهل سنت هرگز با دید منفی نگاه نمی‌کرد بلکه بیشتر سعی داشت تا به ادله‌ی آن‌ها دست یابد و موضوع و مسئله را درست بررسی و ریشه‌یابی کند. (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۸۵، ص ۶۵)

مؤید این نظریه آن است که بیشتر روایات فقهی شیعه به‌صورت سؤال و جواب از ائمه (علیهم‌السلام) صادر شده است، که مردم عادی این تعداد زیاد سؤال دقیق را نمی‌توانند طرح کنند. پیداست که سؤال‌کنندگان اهل علم بوده‌اند و مسائل را از فقهای اهل سنت که با همدیگر محشور بودند می‌شنیدند و همان‌ها را از امامان عصر خود می‌پرسیدند. ابو عمرو کشی معاصر کلینی (م ۳۲۹ ق) در کتاب معروف «اختیار معرفة الرجال» معروف به «رجال کشی» چند تن از اصحاب بزرگ حضرت امام محمدباقر و امام صادق (علیهما‌السلام) مانند زراره، محمد بن مسلم، جمیل دراج را از اصحاب ابوحنیفه دانسته است که بر اثر ارشاد آن امام همام به اهل بیت (علیهم‌السلام) گرویده‌اند و معلومات فقهی خود را پی‌درپی، به آن امام عرضه می‌کرده و پاسخ ایشان را برای دیگران روایت می‌کردند. (همان، ص ۶۳) آیت‌الله بروجردی مراجعه به فتاوی اهل سنت را از مقدمات فقه می‌دانست و می‌فرمود: قدمای ما «مسائل الخلاف» را حفظ داشتند یا فتاوی آن‌ها را در کتاب‌ها و درس‌های خود نقل و آن‌ها را نقد می‌کردند. این سنت حسنه یعنی رجوع به فتاوی اهل سنت از گذشته دور تا عصر شهید ثانی (۹۱۱ - ۹۶۶ ق) و حتی پس‌از آن، در بین فقهای ما دایر بود و در یکی دو قرن اخیر کم‌رنگ و یا فراموش شده بود؛ ولی پس از آشنایی طلاب و فقها با شیوه آیت‌الله بروجردی رفته‌رفته در حوزه قم و سپس در حوزه نجف اشرف دوباره رواج پیدا کرد. (همان، ص ۶۳-۶۴)

آیت‌الله در ابتدا به روایات فقهی اهل سنت اهتمام داشت و دستور داده بود که در کتاب جامع احادیث الشیعه درج گردد. این کتاب یک دوره حدیث کامل فقهی است که زیر نظر آیت‌الله بروجردی به کوشش جمعی از شاگردان ایشان تألیف گردید. ایشان در ادامه به دلیل عکس‌العمل مخالفین این فکر، از ادامه آن منصرف گردید و دستور داد که آن احادیث را از کتاب خارج کنیم. در آن جلسه که فرزند ایشان سید محمدحسن بروجردی حاضر بود فرمود: محمدحسن می‌گوید مردم خواهند گفت: علمای شیعه زحمت کشیده‌اند و احادیث اهل سنت را از احادیث شیعه خارج کرده‌اند و حالا ما داریم دوباره آن احادیث را وارد کتاب حدیث می‌کنیم. یک نوع هم‌اندیشی میان شیخ طوسی و

آیت‌الله بروجردی وجود داشت، شیخ طوسی در خاتمه کتاب «تهذیب الاحکام» که یکی از اصول اربعه ما است نوشته است: من در ابتدا روایات اهل سنت را هم ضمیمه کردم؛ ولی دیدم کتاب خیلی طولانی می‌شود، لذا آن‌ها را حذف کردم. (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۱)

ایشان برای اقوال علما اهمیت خاصی قائل بودند، لذا در مسائل موردبحث ابتدا به اقوال علمای سنی مراجعه می‌کردند و منابع اولیه آنان را می‌دید و بعد به منابع شیعی مانند الخلاف و تذکره الفقهای شیخ و منتهی علامه توجه داشت (دوانی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۵) و معتقد بود که مسائل فقهی، نه‌تنها در سطح مذاهب امامیه بلکه باید در سطح همه مذاهب فقهی اسلامی موردبحث قرار گیرد و در هر مسئله مهم مورد اختلاف، ادله همه مذاهب منظور گردد. (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۸۶، ص ۲۱)

آیت‌الله بروجردی، نه‌تنها به فتاوا و اقوال امامان چهارگانه اهل سنت چیره بود که بر دیدگاه‌های صحابه و دیگر فقهای آنان و اختلاف‌نظرهای آنان نیز سلطه داشت (شرفی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۲۸) گویی فقه و تاریخ و ادله آن در دست او چون موم نرم بود و بر تاریخ عمومی اسلامی و تاریخ علم کلام، تاریخ حدیث و تاریخ فقه کاملاً سلطه داشت. (همان، ص ۱۸۲) ایشان حتی روایات تقیه‌ای اهل سنت را نیز تشخیص می‌داد و می‌فرمود: همیشه تقیه در مقابل فقه و فقهای عامه نبوده، گاهی نیز در مقابل حکام و قضات حکومت‌ها بوده است؛ مثلاً بیش‌تر فقهای عامه نبیذ را حرام می‌دانند، ولی چون حکام مشروب می‌خوردند، اگر روایتی در حلیت نبیذ داشته باشیم، ناظر به تقیه در برابر حاکمان ناصالح است. (فاضل میبدی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۴)

ایشان عقیده داشت در استنباط هر فرع، چنانچه مستند آن روایت است، باید زمان صدور روایت از نظر وجود فقهای عامه و آرای آنان، بخصوص در مدینه و نیز از نظر تلقی که خود اصحاب و پرسش‌گران از آن فرع فقهی داشته‌اند و همان تلقی موجب پرسش از امام شده، به‌طور دقیق بررسی شود. این بررسی در کتاب‌های فقهای پیشین تا زمان‌های بعد ادامه یافت. این مبنا و نگرش مستلزم تتبع زیاد در آرای عامه و کلمات آنان و نیز زمان‌بندی این آراء، به‌ویژه در زمان صادقین (علیهم‌السلام) است. (شرفی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۴۰)

یکی از شاگردان آیت‌الله بروجردی می‌گوید: مثل آفتاب روشن است که گاهی در ذهن اصحاب ائمه (علیهم‌السلام) فقه عامه بیش‌تر از فقه خاصه جای گرفته بود و ائمه ناچار بودند که با زحمت، حق مطلب را در ذهن اصحاب خودشان وارد کنند. از باب نمونه زراره مسائل ارث را

مطابق فقه عامه یاد گرفته بود و خود را آن‌چنان عالم به فرائض می‌دانست که اصلاً احتیاج نمی‌دید از ائمه (علیهم‌السلام) این مسائل را بپرسد. وقتی فتوای امام را می‌شنود، ابتدا بی‌اعتنایی می‌کند، چون به خلاف معلومات او بوده است. حضرت در مقابل زراره عصبانی می‌شود که من مسائل ارث را از روی کتاب امیر مؤمنان (علیه‌السلام) به تو ارائه دادم. زراره از خواب غفلت بیدار می‌شود که معلوماتش درباره ارث بی‌اساس بوده است و از نو باید به فکر آموختن مسائل ارث باشد. این روایت در کافی و ظاهراً در تهذیب هم آمده است. (شرفی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱-۱۴۵) در روایت دیگری محمد بن مسلم از امام صادق (علیه‌السلام) درباره مسافتی که منجر به قصر می‌شود، پرسید: قال سألته عن التقصير، قال فی فیه. قلت فی برید؟ (جلالی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۵؛ حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۸، ص ۴۵۹، باب ۲ از ابواب صلاة المسافر، ح ۹) آیت‌الله بروجردی مفصل بحث کرده که چرا محمد بن مسلم، با تعجب از امام پرسید که آیا یک برید حد تقصیر است. وی علت را این دانسته که او در کوفه زندگی می‌کرد و فقه عامه که در آنجا حاکم بود، حد تقصیر را «مرحلتان» یعنی شانزده فرسخ می‌دانست. وقتی امام گفت: چهار فرسخ برای او جای تعجب و سؤال بود. حضرت فرمود: منظورم یک برید رفت و یک برید برگشت است که در مجموع هشت فرسخ می‌گردد. (همان، به نقل از تقریر بحث السید البروجردی، ج ۲، ص ۳۸۷)

۲-۲. شناسایی چهره واقعی شیعه و فقه آن

همان‌طوری که بیان شد یکی از عوامل تفرقه و جدایی مذاهب از همدیگر، عدم شناخت صحیح و درست آن‌ها از همدیگر می‌باشند. از این‌رو باید تلاش کنیم تا مانند سیره پیشوایان دینی ما که همواره مردم را به شرکت در مجامع عمومی مسلمانان مانند مراسم عبادی-سیاسی حج و نمازهای جماعت دعوت می‌کردند و با افکار تند و انحرافی، مخالف بودند، با اهل سنت برخورد کنیم و شیعه را با رفتار خودمان به دیگران بشناسانیم. از طرفی سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) هنگامی که جامعه‌ی اسلامی دچار مشکلاتی می‌شد که حیثیت اسلام به خطر می‌افتاد و حکومت‌ها از حل آن ناتوان می‌شدند، به دفع آن انحراف و یا مشکل پرداخته و خطر را خنثی می‌کردند. حضرت امیر (علیه‌السلام) در یکی از نامه‌های خود به مالک اشتر چنین می‌فرماید: «من اول‌بار دست خود را پس کشیدم تا اینکه دیدم گروهی از مردم از اسلام بازگشتند و مردم را به نابودی دین محمد (صلی‌الله علیه و آله) دعوت می‌کنند، ترسیدم که اگر به یاری اسلام و مسلمانان برنخیزم، شکاف و انهدامی در اسلام خواهیم دید که مصیبت آن از خلافت چندروزه‌ی

دنیا بسی بیشتر است در آن هنگام، با ابی بکر بیعت کردم و همراه او در آن حوادث قیام کردم تا باطل از میان رفت». (نهج البلاغه نامه ۶۴) هنگامی که عبدالملک بن مروان از پاسخ نامه پادشاه روم عاجز ماند، امام سجاد (علیه السلام) پاسخ نامه را نوشت و هشام بن عبدالملک نیز هنگامی که حکومت روم قصد آن را داشت که سیادت و استقلال حکومت اسلامی را از بین ببرد و سکه‌ی روم را بر مسلمانان تحمیل کند امام باقر علیه السلام طرح سکه‌ی اسلامی را به هشام داد و با این تهدید به مقابله پرداخت. (صدر، بی تا، ص ۱۱)

آیت الله بروجردی به این مشکل بزرگ پی برده بود و سعی می کرد این مشکل را رفع کند. ایشان سعی داشت به جای چهره غالی از شیعه که اهل سنت از برخی کتاب‌های شیعی به دست آورده بودند، چهره درست و منطقی از شیعه ارائه دهد. به همین منظور نگاه خویش را از ایران و عراق فراتر برد و به عربستان و پاکستان نماینده فرستاد و کتب معتبر شیعی را در مصر به چاپ رساند. (علوی طباطبایی، ۱۳۴۱، ص ۱۱۹) این دو اقدام در تغییر دیدگاه خواص اهل سنت نسبت به شیعیان مؤثر افتاد. ایشان به حجاج سفارش نمود که از رفتار جاهلانه که موجب تحریک مذاهب دیگر می گردد اجتناب گردد. (همان، ص ۸۰)

ایشان معتقد بود که ما در زمینه فقه، منابع قوی داریم و باید آن‌ها را به اهل سنت بشناسانیم. فقه ما اصلی دارد و مأخذی از پیامبر اکرم و آن حدیث ثقلین است. (شرفی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۲۳۳) در این رابطه آیت الله کتاب نفیس «المبسوط» تألیف شیخ طوسی (ره) را برای شیخ عبدالمجید سلیم شیخ الازهر و از اعضای دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه و رئیس کمیته فتوایی الازهر هدیه فرستاد که شیخ پس از مطالعه این کتاب، فوق العاده تحت تأثیر این کتاب قرار گرفته بود که در اواخر عمر گفته بود که فقه شیعه از صاحب شریعت مستند دارد ولی فقه اهل سنت ندارد. وی گفته بود: چه آن موقع که مفتی سرزمین مصر بودم و چه بعد آن، هرگاه می خواستم به کمیسیون فتوا بروم، برای نظر دادن در مسئله‌ای حتماً قبل از آن کتاب المبسوط شیخ طوسی را مطالعه می کردم. (همان، ص ۲۳۵)

آیت الله بروجردی از طرفی اهتمام داشت که علما و فقهای شیعه با روایات و مبانی فقهی اهل سنت چنان که قبلاً گفته شد آشنا شوند و از طرف دیگر اهل سنت نیز به روایات و فقه شیعه رجوع کنند و از آن‌ها مطلع شوند. وی در این دو امر موفق گردید و بسیاری از اعضای «دار التقريب» را با فقه شیعه آشنا کرد تا جایی که آنان در پاره‌ای از مسائل مهم، مانند، شرط شهادت

عدلین در طلاق، موافق فقه شیعه فتوا دادند و در قانون مدنی مصر ثبت گردید. وزارت اوقاف مصر در همان ایام کتاب «المختصر النافع» تألیف محقق حلی (م ۶۷۶ ق) که یک دوره فقه فشرده و خلاصه کتاب «شرائع الاسلام» آن محقق است، با هزینه خود و با مقدمه وزیر اوقاف وقت شیخ احمد حسن الباقوری چاپ کرد. مقدمه وی بر کتاب «المختصر النافع» در باب تقریب فقهی و مشترکات فقهی فریقین است. این دانشمند به ایران آمد و با آیت‌الله بروجردی دیدار کرد و شخصیت آن مرجع عالی‌قدر او را تحت تأثیر قرار داده بود. (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۸۶، ص ۲۴)

به‌طور خلاصه، شیوه‌ی پیشنهادی آیت‌الله بروجردی پیرامون وحدت بین مذاهب این بود که میان شیعه و سنی در دو نکته اساسی، اختلاف نهفته است. یکی جانشینی پیامبر و امامت و رهبری مسلمانان است و دیگر اینکه بعد از رحلت پیامبر، مسلمانان در عمل به احکام به چه کسی رجوع نمایند و تکلیف روزمره خود را از کدام مرجع بگیرند؟ اولاً، بحث درباره‌ی موضوع اول، یک بحث تاریخی است، هر چه بوده گذشته است و لزومی ندارد دوباره مطرح شود و تجربه هم نشان داده که طرح این‌گونه مسائل همیشه سبب اختلاف شدید و منشأ سوءاستفاده‌های دشمنان بوده است. ثانیاً اگر هم نتیجه‌ای علمی و عقیدتی دارد، این ثمره برای هرکدام از شیعه و سنی فی‌نفسه محترم است و ربطی به‌طرف مقابل ندارد؛ بنابراین آنچه امروز خیلی مهم است و می‌تواند نقطه مشترک میان شیعه و سنی باشد، بعد از کتاب آسمانی قرآن، محوریت اهل‌بیت است که دلیل آن «حدیث ثقلین» می‌باشد و از طریق فریقین با سلسله‌ی سند صحیح نقل شده است و همه هم آن را قبول دارند. (نک: شرفی و دیگران، ۱۳۸۸) از این‌رو و با این طریق ایشان سعی داشت نظر اهل سنت نسبت به شیعه را تغییر دهد و آنان متوجه شوند که برادران شیعه شان نه مشرک و کافر بلکه همدینان آنان هستند و مبانی علمی و اصول اعتقادی شیعه به‌قدری محکم و متقن است که قابل‌مقایسه با سایر فرق نیست. (علوی طباطبایی، ۱۴۱، ص ۱۱۹)

۳-۲. ارتباط با مراکز دینی جهان اسلام

برقراری ارتباط با مراکز دینی یکی دیگر از راهبردهای آیت‌الله بروجردی در همگرایی فقهی ایشان به‌حساب می‌آید. حمایت از دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه یکی از راه‌های مؤثر ارتباط با مراکز دینی بود که آیت‌الله دنبال می‌نمود. دارالتقریب در سال ۱۳۲۷ شمسی از سوی جمعی از بزرگان علمای اهل سنت و علمای شیعه و مذاهب دیگر اسلامی و با کوشش فراوان مرحوم

علامه شیخ محمدتقی قمی که سال‌ها در لبنان و مصر اقامت داشت و با دبیر کلی وی شکل گرفت. اعضای آن از اساتید الازهر مانند شیخ عبدالمجید سلیم و شیخ محمود شلتوت، شیخ ابو زهره، حسن البنا و دیگران و یکی از علمای زیدیه یمن و از علمای شیعه، مرحوم شیخ محمدحسین کاشف الغطاء در نجف، مرحوم سید شرف‌الدین و مرحوم شیخ محمدجواد مغنیه در لبنان بودند. (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۶-۲۷۷)

مجله رساله الاسلام، زبان گویای آن مؤسسه بود که از بهترین مجلات اسلامی شمرده می‌شد و مقالاتی از اعضای آن مؤسسه و به قلم افرادی چون شیخ عبدالمجید سلیم و کاشف الغطاء، شیخ مغنیه، سید شرف‌الدین، سید هبه‌الدین و دیگران در آن درج می‌شد. از این مجله فقط تعداد ۶۰ شماره منتشر شد که مجمع جهانی تقریب آن‌ها را در ۱۵ جلد منتشر کرده است این مجله تا آخر حیات آیت‌الله بروجردی ادامه داشت و بعد از ایشان تعطیل گردید و کار دارالتقریب نیز متوقف گردید که علت آن این بود که مرحوم آیت‌الله بروجردی به آن مؤسسه کمک مالی و هم کمک علمی می‌کرد و با درگذشت آیت‌الله، این کمک‌ها قطع شد و کارهای دارالتقریب که موقوف بر آن کمک‌ها بود نیز متوقف گردید. ایشان از بنیان‌گذاران دارالتقریب نبود، اما از ابتدای فعالیت این مرکز به حمایت جدی از آن برخاست و حتی از کمک مالی به آن دریغ نورزید. (همان)

۴-۲. زدودن خرافات مذهبی

از عوامل تفرقه و از موانع وحدت و همگرایی اسلامی، اتهاماتی است که مسلمانان نسبت به پیروان همدیگر وارد می‌سازند. این نسبت‌های ناروا در اندیشه‌های هوس آلود و توطئه‌های استعماری و استکباری ریشه دارد که با استفاده از زمینه‌های موجود در بین مسلمانان رواج و گسترش بیشتری یافته است. بسیاری از این افتراها هیچ پایه و اساسی ندارد. ریشه برخی دیگر از این نسبت‌های ناروا و دروغ‌های بزرگ جهل و ناآگاهی مسلمانان نسبت به یکدیگر است و این نوع نسبت‌ها با عمیق‌تر شدن شکاف و جدایی میان مسلمانان پیوسته رو به رشد و گسترش بوده‌اند، چراکه دوری مسلمانان از همدیگر و نبودن زمینه‌های تفاهم و گفتگو موجبات عدم شناخت از همدیگر را فراهم آورده است. علامه سید شرف‌الدین با اشاره به وضعیت دردناکی که مسلمانان بر اثر خصومت‌ها و دشمنی‌ها نسبت به همدیگر مبتلا شده بودند، معتقد است که بسیاری از اختلافات سنی و شیعه پایه درستی ندارد، بلکه سرچشمه آن‌ها دروغ‌ها و اتهام‌ها و

تبلیغاتی است که در شرایط زمانی خاص مطرح شده است و قدرت‌های سیاسی گذشته آن‌ها را اشاعه داده‌اند. (شرف‌الدین، ۱۳۸۴، ص ۷)

بنابراین از راه‌های همگرایی، پرهیز از برانگیختن احساسات، ادب در گفتار و نوشتار است. حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «رَبِّ حَرْبٍ مِنْ لَفْظَةٍ: بسا جنگی که از گفتن و یا نوشتن یک کلمه بر پا شود». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۱۴) از این‌رو، همواره بخشی از تلاش‌های مصلحان و عالمان در همبستگی مسلمانان، به تعمیق نگرش‌ها و بینش‌ها اختصاص داشته است. آیت‌الله بروجردی از منادیان همگرایی اسلامی، در این راه نیز تلاش بسیار نمود. آیت‌الله بروجردی درصدد رفع یکی از بزرگ‌ترین دردهای شیعه یعنی «غلو» برآمد. ایشان در مقابل کسانی که در مورد پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) و ائمه (علیهم‌السلام) غلو می‌کردند، می‌ایستاد و حتی کار به آنجا رسید که ایشان از چاپ بحارالانوار جلوگیری کرد. (مجله حوزه، ۱۳۷۰، مصاحبه با حجه الاسلام والمسلمین محمد واعظ زاده خراسانی، ص ۲۲۴-۲۲۵) از اقدامات مهم ایشان در این راه این بود که از توهین به مقدسات اهل سنت جلوگیری می‌نمود و در مقابل آنان موضع می‌گرفت و در مواردی کتاب‌های که به بزرگان اهل سنت توهین شده بود را جمع‌آوری نمود. (همان، مصاحبه با آیه الله محمد فاضل لنکرانی، ص ۱۵۲-۱۵۳)

آیت‌الله بروجردی در برخوردهای علمی و غیرعلمی با عالمان و همچنین توده مردم اهل سنت، احترام می‌گذاشت، بی‌احترامی به باورهای آنان را روا نمی‌دانست. از هرگونه اسائهی ادب درملاءم نسبت به خلفا جلوگیری به عمل می‌آورد و اطرافیان خود را از اهانت به آن‌ها باز می‌داشت. (همان) آیت‌الله بروجردی مسائل اختلافی را ردیابی نموده و تاریخچه آن را دنبال می‌نمود و ریشه اختلاف را به‌دوراز تعصب روشن می‌ساخت و نقطه اختلاف و اتفاق مسلمین را بیان می‌نمود و دیدگاه اهل‌بیت و اهل سنت را در فقه بیان می‌کرد. یکی از ویژگی ایشان در بررسی‌های فقهی بررسی تاریخی زمان صدور روایت و مستند آن و تطور فرع نزد اصحاب ائمه و طبقات بعد است. (اخوان صراف، ۱۳۸۷، ص ۳۷۵-۳۷۶)

۵-۲. تلاش بر روابط بین‌الملل اسلامی

یکی از راهبردهای همگرایی آیت‌الله بروجردی، تلاش ایشان برای بهبود روابط بین دول اسلامی بود. ایشان در نامه خود به شاه عربستان آرزو کرد که کشورهای اسلامی در برابر بیگانگان متحد شوند. ایشان توجه زیادی نسبت به وحدت به سران ممالک اسلامی داشت و در

دیدارهای خویش آنان را به همگرایی سفارش می‌نمود. (شرفی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۲۰۲) ایشان در نامه دیگر خواستار بهبود روابط ایران و عربستان گردید. (منظورالاجداد، ۱۳۷۹، ص ۴۴۴ سند ۲۱) در زمان تیرگی روابط ایران و مصر نیز آیت‌الله برای بهبود روابط دو کشور کوشش بسیار نمود. هنگامی که جمال عبدالناصر، شاه ایران را به همراهی با آمریکا و اسرائیل متهم کرد، روابط دیپلماتیک بین تهران و قاهره قطع گردید. آیت‌الله در این هنگام در بستر بیماری و مرگ، شیخ محمدتقی قمی را به رفتن به مصر ترغیب می‌نمود و خود قصد نوشتن نامه‌ای به شیخ شلتوت را داشت تا روابط دو کشور اصلاح گردد. (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۸) ایشان در این زمان و با حالت بیماری شدید می‌پرسد که آقا شیخ محمدتقی به مصر رفت یا نه؟ (شرفی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۲۳۳)

از این رو یکی از مصادیق بارز اهتمام آیت‌الله بروجردی به تقریب مذاهب و همگرایی فقهی، طرحی است که ایشان از راه ارتباط دولت‌های اسلامی با همدیگر دنبال می‌نمودند. ایشان در سال‌های آخر عمر خویش به ملک سعود پادشاه وقت عربستان که به ایران آمده بود پیشنهاد همگرایی دول اسلامی را داد. ملک سلمان نیز هدایایی برای ایشان فرستاده بود از جمله چند جلد کلام‌الله مجید و قطعه‌ای از پرده کعبه. ایشان پس از دریافت آن هدایا به ملک سعود نوشت: هدایای شما را دریافت داشتیم؛ اما رسم من نیست که از پادشاهان هدیه قبول کنم، لهذا هدایا را برگرداندم و جهت قداست، قرآن و پرده کعبه را نگهداشتیم؛ به‌علاوه حدیث نبوی «حجۃ الوداع» را برای شما فرستادم. این جریان در همان هنگام در مجله «رسالة المذاهب الاسلامیة» منتشر گردید، گویا ملک سعود مایل بود به ملاقات آیت‌الله بروجردی برود که به عللی صورت نگرفت. (همان، ص ۸۸) هدف آیت‌الله بروجردی از ارسال حدیث حجۃ الوداع برای ملک سعود آن بود که در طریق روایات این حدیث به نقل اهل سنت دو نفر از امامان اهل بیت علیهم السلام ثبت گردیده و طبعاً برای شیعیان هم حجت است و نظر به اینکه در کتاب صحاح آمده می‌تواند نقطه وحدت در این مسئله بین فریقین باشد و سبب گردد که مسلمان‌ها در عمل مهم حج هماهنگ شوند و یکسان عمل کنند. (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۸۶، ص ۲۳)

۶-۲. توجه به دشمن مشترک

یکی دیگر از راهبردهای مهم همگرایی از منظر آیت‌الله بروجردی، توجه به دشمن مشترک است. احساس تهدید و دشمن مشترک داشتن جهان اسلام زمینه سیاسی و اجتماعی همگرایی

در جهان اسلام را فراهم می‌آورد. داشتن احساس تهدید و داشتن دشمن مشترک در دنیای امروز عامل خوبی در همگرایی به حساب می‌آید. در روابط بین‌الملل، وجود یک یا چند قدرت رقیب یا تهدیدکننده می‌تواند به عنوان عامل همبستگی و همگرایی میان کشورهای در معرض تهدید عمل نماید. (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۱) دشمن مشترک قدرت همگرایی بالایی دارد و در تاریخ گزارش‌های در دست است که نشان می‌دهد فرضیه دشمن مشترک چگونه باعث همدلی گروه‌ها و دولت‌ها گردیده است. آیت‌الله بروجردی تلاش می‌کرد از این راهبرد برای همگرایی اسلامی استفاده کند. ایشان در حین جنگ مصر و اسرائیل به یکی از علمای اصفهان که نسبت به خلفا توهین نموده بود، گفت: در این وقت که اسرائیل به مسلمانان حمله کرده است و آنان را قتل‌عام می‌کند و سرزمین‌های مسلمانان را اشغال می‌کند، راه انداختن جنگ بین شیعه و سنی و تفرقه چه معنی دارد، این کار اصلاً درست نیست. (مجله حوزه، ۱۳۷۰، مصاحبه با آیت‌الله منتظری، ص ۲۵۳) استاد مطهری می‌نویسد: این مرد چون به تاریخ اسلام و مذاهب اسلامی آشنا بود، می‌دانست که سیاست حکام گذشته در تفرقه و دامن زدن آتش اختلاف، چه اندازه تأثیر داشته است و هم توجه داشت که در عصر حاضر نیز سیاست‌های استعماری از این تفرقه حداکثر استفاده می‌کنند و بلکه آن را دامن می‌زنند. (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۲۰۴-۲۰۵)

ایشان از عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی و سلطه‌ی دشمن بر آنان، متأثر می‌شد و در این زمینه معتقد بود که اگر سران و زعمای ملل اسلامی به رمز پیشرفت و ترقی کشورهای توسعه‌یافته جهان در صنعت و علوم مادی توجه کنند و علاقه به استقلال مسلمانان و عظمت دین اسلام داشته باشند، می‌توانند در سایه عمل به تعالیم عالیه اسلام تمام عقب‌ماندگی‌های خود را جبران کنند. (دوانی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۷) ایشان بسیار تلاش کرد که مسلمانان در مسائل بین‌المللی با هم همدل و در مقابل بیگانگان متحد باشند و در نامه خویش به شاه عربستان آرزو دارد که خداوند دل‌های مسلمانان را به هم پیوند داده و در برابر بیگانگان متحد گرداند. (دوانی، ۱۳۷۷، ص ۱۷۹)

نتیجه

آیت‌الله بروجردی معتقد بود که مشترکات موجود در میان فرق اسلامی می‌تواند باعث وحدتی پایدار و ماندگار در جهان اسلام گردد. آیت‌الله بروجردی راهبرد عملی در تحقق همگرایی را بر مشترکات مسلمین می‌داند و بر اشتراکات فقهی تأکید می‌ورزد و با توجه به فرهنگ

اهل بیت (علیهم السلام) و جایگاه آنان در دل مسلمین به عنوان امر مشترک میان امت اسلامی سعی در تقریب بین آنان دارد. از دید ایشان، فقه علت عمده‌ای اختلاف مذاهب است، درعین حال، فقه می‌تواند جهان اسلام را به تقریب و همگرایی برساند. وی معتقد بود اهل سنت و پیروان اهل بیت (علیهم السلام) فقهی دارند متخذ از کتاب و سنت ثابت نزد هردو فرقه و باید این دو رشته فقه را با بی‌طرفی مورد توجه قرار داده و آندورا باهم تطبیق داده و زمینه‌های اختلاف و وفاق را حتی‌الامکان پیدا نمود. همگرایی فقهی آیت‌الله بروجردی به تبیین مشترکات شیعه و سنی به‌ویژه در فقه، تبیین چهره واقعی شیعه و اهل سنت، توجه به فقه مقارن به عنوان مشترکات شیعه و سنی و تکیه بر مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم السلام) تکیه دارد. آیت‌الله بروجردی علاقه داشت که فقهی را پی‌ریزی کند که روایات شیعه و سنی و فتاوا و استدلال‌های هر دو گروه در آن باشد تا برای همگان روش گردد که این نظریات و روایات تا چه اندازه نزدیک به هم هستند. ایشان معتقد بود که شیعه باید در عصر حاضر بر مقام علمی اهل بیت (علیهم السلام) تأکید ورزد. مسلماً اگر شیعه به استناد حدیث ثقلین به مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم السلام) اکتفا کند، قادر خواهد بود که دشمنی‌های بی‌هوده را کنار بزند و همه مسلمانان را پیرامون محاسن کلام عترت و فقه با عظمت اهل بیت (علیهم السلام) جمع کند. ایشان در الگوی همگرایی خویش به سیره ائمه (علیهم السلام) و آثار پیشینیان به‌ویژه آثار شیخ طوسی (ره) اهمیت فراوان می‌داد.

منابع

۱. نهج البلاغه.
۲. اباذری، عبدالرحیم، آیت‌الله بروجردی (آیت اخلاص)، تهران، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳.
۳. ابوالفضلی، حسین، هم‌گرایی جهان اسلام: آسیب‌ها و راهبردها، قم، پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۴.
۴. اخوان صراف، زهرا، مکتب اجتهادی آیت‌الله بروجردی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۵. تسخیری، محمدعلی، درباره وحدت و تقریب مذاهب اسلامی، ترجمه محمد مقدس، تهران، مجمع تقریب، ۱۳۸۳.

۶. تمیمی آمدی، عبد الواحد، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۷. تهوری، مسلم، آیت‌الله بروجردی و اتحاد جهان اسلام (منادیان تقریب ۳)، زاهدان، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۲.
۸. جلالی، غلامرضا، «الگوهای چهارگانه وحدت اسلامی و نظریه میرزا خلیل کمره‌ای»، مجله حوزه، شماره‌های ۱۵۵ و ۱۵۶، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
۹. حر عاملی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق محمدرضا حسینی جلالی، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۶.
۱۰. دوانی، علی، زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع آیت‌الله بروجردی، تهران، نشر مطهر، ۱۳۷۲.
۱۱. دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۲. دهقانی، محسن، اتحاد ملی و انسجام اسلامی از منظر نهج البلاغه و رهبران اسلامی، قم، گلستان ادب، ۱۳۸۶.
۱۳. رنجبر، مقصود، «ظرفیت‌های وحدت‌گرایی در جهان اسلام»، مجله پگاه حوزه، شماره ۱۸۰، ۲۶ فروردین ۱۳۸۵.
۱۴. سریع القلم، محمود، عقل و توسعه‌یافتگی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
۱۵. شرف‌الدین، عبدالحسین، النص و الاجتهاد، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۳۸۴.
۱۶. شرفی، حسین، سید عباس صالحی، عبدالرضا ایزدپناه، مجتبی احمدی و محمدحسن نجفی، چشم‌وچراغ مرجعیت: مصاحبه‌های ویژه مجله حوزه با شاگردان آیت‌الله بروجردی، زیر نظر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۸.
۱۷. صدر، محمدباقر، نقش پیشوایان شیعه در بازسازی جامعه اسلامی، ترجمه علی اسلامی و هادی انصاری، تهران، انتشارات روزبه، بی‌تا.
۱۸. علوی طباطبائی، حسین، خاطرات زندگی آیت‌الله بروجردی، تهران، اطلاعات، ۱۳۴۱.
۱۹. فاضل میبدی، محمدتقی، یادنامه خاتمی (مجموعه مقالات علمی و تحقیقی در بزرگداشت آیت‌الله حاج سید روح‌الله خاتمی اردکانی)، قم، مؤسسه معارف امام رضا (علیه‌السلام)، ۱۳۷۶.

۲۰. کاظمی، سید علی اصغر، نظریه همگرایی در روابط بین‌المللی «تجربه جهان سوم»، تهران، انتشارات پیک ایران، ۱۳۷۰.
۲۱. مجله حوزه، «مجموعه مصاحبه با شاگردان آیت‌الله بروجردی»، شماره ۴۳ و ۴۴، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۰.
۲۲. مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، شکوه فقاقت: یادنامه حضرت آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی (قدس سره)، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹.
۲۳. مطهری، مرتضی، تکامل اجتماع، تهران، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۲.
۲۴. منظورالاجداد، محمدحسین، مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست: اسناد و گزارش‌های از آیات عظام نائینی، اصفهانی، قمی، حائری و بروجردی، ۱۲۹۲ تا ۱۳۴۹ شمسی، تهران، انتشارات شیرازه، ۱۳۷۹.
۲۵. واعظ زاده خراسانی، محمد، ندای وحدت (مجموعه سخنرانی‌های استاد در نماز جمعه تهران)، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۶. واعظ زاده خراسانی، محمد، زندگی آیت‌الله بروجردی و مکتب فقهی، اصولی، حدیثی و رجالی وی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۷. واعظ زاده خراسانی، محمد، «فقه مقارن و تقریب مذاهب در نگاه آیت‌الله بروجردی»، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۲۵۷، سال بیست و چهارم، اسفند ۱۳۸۶.